

نقش اشتغال زنان بر ساختار خانواده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴

کد مقاله: ۷۱۷۳۹

اسداله بابایی فرد^۱، سمیه میری^۲، فاطمه خوش بیانی آرانی^۳

چکیده

هدف اصلی از این پژوهش، بررسی نقش اشتغال زنان بر ساختار خانواده می‌باشد. روش مورد استفاده در این مطالعه پیمایشی و جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، کلیه‌ی کارکنان زن بیمارستان جوادالائمه‌ی مشهد است، که تعداد کارکنان زن این بیمارستان، ۲۳۰ نفر می‌باشد که ۱۵۰ نفر از آن‌ها متأهل می‌باشند، که نمونه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، روابط اجتماعی، فشارکاری، میزان قدرت تصمیم‌گیری درون خانواده رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد، و همچنین بین متغیرهای نقش همسرمداری، نقش مادری، خانه‌داری، نیازهای مالی خانواده، رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. بین متغیر تحصیلات با اشتغال زنان نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون حاکی از آن است که بیشترین متغیرهای مؤثر بر ساختار خانواده، فشارکاری و میزان قدرت تصمیم‌گیری است. به همین دلیل می‌توان گفت که از نظر کارکنان، اشتغال‌شان بیشتر، فشارکاری و میزان قدرت تصمیم‌گیری در درون خانواده را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، فشارکاری، میزان قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، ساختار خانواده.

۱. دانشیار دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی

۲. دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) tirdad1320@gmail.com

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان

از زمانی که بشر پا به عرصه‌ی کره‌ی خاکی نهاد، تاکنون در بین همه‌ی جوامع، خانواده به عنوان بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین نهاد جامعه، زیر بنای تعاملات، فرهنگ، تمدن، تاریخ، کانون تربیت و مهد سعادت انسان بوده است (توپخانه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۲). خانواده بستر تمام شئون اجتماعی و خاستگاه افرادی است که باید با جسم و اندیشه‌ای سالم و پویا، چرخه‌ی حیات جامعه را به گردش در آورند. خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت و ارزش‌ها و معیارها است، که نقش مهمی در تعیین سبک و خطمشی زندگی آینده فرد بازی می‌کند (اسحاقی، ۱۳۹۱: ۹۸). همچنین خانواده یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی است (جوکار، ۱۳۹۳: ۴۰).

در تعریفی که از ساختار خانواده وجود دارد، ساختار خانواده را می‌توان، شامل کلیه‌ی روابط بین اعضاء دانست، که به مرور زمان و با شرایط اجتماعی و فیزیکی تولید سازگار می‌گردد (امینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). مینوچین خانواده را ساختاری تعریف می‌کند که با آن نظم می‌یابد. این ساختار به معنی الگوهای تعاملات تکراری است. ساختار چگونگی ارتباط برقرار کردن اعضاء، مدیریت تعارضات، توزیع نقش‌ها و شیوه‌ی گفتگو را مشخص می‌سازد. خانواده‌های سالم، ساختار خود را متناسب با نیازهای موقعیتی اعضاء وفق می‌دهند، ولی در خانواده‌های ناسالم، الگوهای تعاملی خانواده به طور نسبی در موقعیت‌های مختلف ثابت است (خاک‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). از طرفی آن‌گونه که جامعه شاهد است، نهاد خانواده در قرن گذشته دست‌خوش تحولاتی بسیار زیادی شده است (گروسی، ۱۳۸۷: ۸). افزایش تحصیلات، افزایش استفاده از رسانه‌های نوین از جمله: اینترنت و ماهواره و نیز دسترسی به اطلاعات گسترده، اشتغال زنان، آزادی‌های نسبی، حق انتخاب، تغییر شیوه‌ی زندگی و... خانواده را با مسائل جدیدی از جمله تضاد منافع فردی و جمعی، روبه‌رو ساخته است که غلبه بر این موارد، تغییر الگوهای ذهنی و بازنگری در شیوه‌های رفتاری و برابری روابط اعضای خانواده را می‌طلبد (اعظم‌زاده، ۱۳۹۵: ۹). مهم‌ترین دلیل این وضعیت، تحولات و دگرگونی‌هایی است که به مرور زمان در تمامی ابعاد و زوایای ساختی - کارکردی خانواده و بالاخص در سرمایه‌ی اجتماعی خانواده ایجاد گردیده است (اسحاقی، ۱۳۹۱: ۹۸). امروزه گذر از جوامع سنتی به مدرن نیز مستلزم تحولاتی در ساختارهای کهن جوامع شده است که عقاید و نگرش‌های متفاوتی را نسبت به گذشته ایجاد می‌کند. این امر به باز تعریف هویت انسانی و اجتماعی زنان و مردان منتهی می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۷۶). جامعه‌ی امروز ما نیز به شدت از فرایندهای کلی مدرنیته تأثیر پذیرفته است. یکی از ویژگی‌های مدرنیته این است که انسان خود به این آگاهی می‌رسد که در مسیر مدرنیته قرار گرفته و انتخاب‌های پرشماری پیش روی خود دارد. و نگرش آن‌ها را تغییر می‌دهد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

در ایران نیز با آغاز ورود فرآیند نوسازی به کشور و خصوصاً گسترش روند شهرنشینی، همگانی شدن نظام آموزشی در کشور، رشد ارتباطات اجتماعی و به دنبال آن آشنایی با تحولات ساختاری در سایر جوامع، خانواده‌ی ایرانی هم دست‌خوش تغییرات شده است (قندھاری، ۱۳۸۲: ۶۵). تا چند دهه‌ی قبل، شکل مسلط خانواده در ایران، خانواده‌ی گسترده‌ی تابع سنت و مذهب بود، که ریاست اصلی آن در اختیار پدر بود و در ساختار سلسه مراتبی قدرت، شوهر یا پدر خانواده در رأس هرم قرار می‌گرفت، اما این شکل از روابط قدرت با ورود نوسازی به ایران، همانند غرب، دچار تغییر شد. در الگوهای سنتی، قوانین مشخصی در مورد وظایف زن و مرد در زندگی زناشویی قرار داشت در واقع از پیش تعیین شده بود ولی با افزایش ضریب نفوذ سواد بین افراد به ویژه زنان، ورود به اجتماع و داشتن مشارکت و کنترل بر منافع اقتصادی خانواده، از جمله عواملی است که الگوهای سنتی را تحت تأثیر قرار داده و بر ساختار خانواده و نحوه‌ی توزیع قدرت در آن تأثیر بسیار داشته‌اند (حسینیان و کرمی، ۱۳۹۱: ۵۹۱). از مهم‌ترین تغییرات ایجاد شده می‌توان فراهم شدن امکانات بیشتر برای آموزش، تحصیل و ورود زنان به بازار کار را نام برد که باعث دگرگونی در ساختار قدرت خانواده می‌شود (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). مورد دیگری که در جامعه‌ی امروزی بسیار بحث می‌شود بحث خانواده و تغییر در ارزش‌های خانواده می‌باشد، باید توجه داشت که پدیده‌ی جهانی شدن از طریق رشد دادن فردیت و وارد کردن زنان به فعالیت تولیدی و اجتماعی خارج از منزل، تقویت استقلال اقتصادی افراد و به تبع آن شناخت و تثبیت و افزایش حقوق زنان، قانونی کردن حق طلاق، شهرنشینی، خشونت خانوادگی، اشتغال زنان و پیامدهای آن، مهاجرت از روستا به شهر، تحرک اجتماعی و اقتصادی و محلی بیشتر و کاهش نفوذ مرد در خانواده و بسیاری از عوامل دیگر از این قبیل، بر ساختار نهاد خانواده و سبک زندگی زنان تأثیر گذاشته است.

یکی از این تغییرات بزرگ، که نهاد خانواده‌ی امروزی به طور فراوان شاهد آن است، به هم خوردن نظام سنتی اشتغال و نان-آوری مردان و خانه‌داری زنان است. امروزه زنان نیز با اشتغال خود در تولید منابع مالی خانواده مشارکت نموده و نقش به‌سزایی در پیش برد اهداف معیشتی خانواده ایفا می‌کنند (اعظم‌زاده، ۱۳۹۵: ۹). اشتغال زن به کارهای اقتصادی تنها از نظر مادی و کمک تأمین معاش و بهبود شرایط مالی اعضای خانواده دارای اهمیت نیست، بلکه این امر بیش‌تر از نظر عاطفی و اجتماعی بدین خاطر که به زن احساس سازندگی و خلاقیت می‌دهد، اهمیت دارد و تأثیر آن نه تنها در رفتار و شخصیت زن بلکه در روحیات تک‌تک اعضای

خانواده و به طور غیرمستقیم در کل جامعه احساس می‌شود (بنی فاطمه و مهبد، ۱۳۸۹: ۲۶). هر چند از پیامدهای مثبت اشتغال زنان همانند: ۱. ایجاد روحیه‌ی اعتماد به نفس و استقلال در زنان؛ ۲. کمک به درک مسائل زنان و حل این مسائل؛ ۳. حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی؛ ۴. آشنایی بیشتر با روش‌های افزایش بهره‌روی امکانات مادی و معنوی خانواده؛ ۵. افزایش توان مدیریت زنان در خانواده و جامعه؛ ۶. استفاده از اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی بر اثر فقر و نیاز مالی؛ ۷. کمک به اقتصاد خانواده؛ ۸. کمک به شادابی و سلامت روح و جلوگیری از افسردگی بر اثر بیکاری و یکنواختی روزمره می‌توان نام برد- (پورقاسم، ۱۳۸۱)، اما پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند زنان شاغل و همچنین اطرافیان دور و نزدیک آن‌ها، با مشکلات متعددی رو به رو هستند. اشتغال زنان، غیر از تعارض‌ها و فشارهایی که می‌تواند برای زنان شاغل داشته باشد، می‌تواند خانواده را در معرض آسیب‌های گوناگون و حتی فروپاشی قرار دهد^۱. یکی از ابعاد منفی اشتغال زنان آثار آن بر فرزندان است. امروزه برخی سازمان‌های مکمل به منظور نگهداری از کودکان زنان شاغل تأسیس شده‌اند؛ اما سؤال این جاست که آیا این تدابیر و این سازمان‌های مکمل می‌توانند جانشین مادر باشند؟ از ابعاد منفی دیگر تمایل نداشتن زنان به ازدواج؛ ضعف حمایت عاطفی و معنوی از کودک، مشکلات روحی، روانی، و اجتماعی کودکان محروم از عاطفه‌ی مادری؛ و تربیت صحیح است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که از دید زنان کار بیرون از خانه در مقایسه با کارهای خانگی از اعتبار و ارزش بالاتری برخوردار است. این اعتبار، احتمالاً از آن‌جا ناشی می‌شود که شأن و منزلت انسانی، امروزه با ارزش‌های مادی قرین شده و از آن‌جا که تصور عمومی بر این است که صرفاً کار بیرون از منزل یا کار در ازای درآمد، مولد ارزش‌های اقتصادی است در نتیجه به امور خانه‌داری که مولد درآمد و دارای ارزش اقتصادی تصور نمی‌شود کمتر بها داده می‌شود. از این‌روست که بسیاری از زنان خانه‌دار، اشتغال زنان را امری مثبت و مطلوب تلقی می‌کنند و به ایفای نقش‌های شغلی تمایل نشان می‌دهند (رفعت‌جابه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۱۳۵). مسأله‌ی عمده‌ای که در اثر اشتغال زنان بروز می‌کند فشارهای چندگانه‌ای است که کارهای خانگی، مادری و وظایف شغلی بر جسم آنان و تضادهای نقش‌های ناشی از آن بر روان آن‌ها وارد می‌کند. در صورت تداوم و عدم چاره‌جویی برای این معضل، هم سلامت جسمی و روانی زنان به خطر می‌افتد و هم کارکردهای خانواده مختل می‌شود. از این‌رو مطالعه‌ی موضوع اشتغال زنان با توجه به انگیزه‌ها و عوامل و آثار مهمی که بر جسم و روان زنان، روابط زناشویی، مادری، اقتصاد خانواده و اقتصاد ملی برجای می‌گذارد، در خور واکاوی جدی است و جست و جوی الگویی بهینه برای اشتغال زنان با توجه به سن، تاهل و مرحله‌ی زندگی خانوادگی‌شان ضروری می‌نماید. به همین دلیل در این مقاله سعی شده به نقش اشتغال زنان بر ساختار خانواده پرداخته شود.

۲- چارچوب نظری

خانواده، از گروهی از آدم‌ها تشکیل می‌شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره‌ی زمانی مشخص با هم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۲۷). خانواده کانونی است که در آن چگونگی توزیع و نحوه‌ی اعمال قدرت در شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد، اجتماعی شدن فرزندان، عزت نفس، انسجام و حتی احساس رضایت، احساس بیگانگی و تهایی و خوشبختی زناشویی اثر می‌گذارد (توپخانه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴). در نظریه‌ی منابع^۲ تقسیم قدرت در خانواده و پایگاه قدرت هر یک از همسران، متأثر از منابع در دسترس هر یک از آن‌ها و انتظارات هنجاری ارزشی از زن و شوهر است؛ به بیان دیگر، هرچه منابعی که شخص در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار است. بر اساس این نظریه، فرض می‌شود که سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی، سن، و طول مدت ازدواج و مانند آن، از متغیرهایی به شمار می‌روند که بر توزیع قدرت و شیوه تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر می‌گذارند و شکل ساختار قدرت در خانواده را تبیین می‌کنند (امینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴). از نظر کالینز^۳ وقتی یکی از دو جنس به گونه‌ای نسبی منابع مادی را در کنترل خود دارد، این جنس صاحب قدرتی خواهد شد که توان کنترل روابط جنسیتی را خواهد داشت و از این راه می‌تواند این شکل از کنترل رابطه را به نظام خانواده سرایت دهد. در چنین مواقعی جنس با قدرت کم، باید در پی اخذ منابعی باشد تا بر عدم برتری قدرت مادی و اقتصادی چیره شود (همان منبع: ۵). تالکوت پارسونز^۴، از طرفی در تحلیل خود پیرامون تقسیم کار جنسیتی بین زن و شوهر بر نقش محوری تقسیم کار جنسیتی در حفظ وحدت و انسجام خانواده تأکید کرده است. تقسیم کاری که وظایف شغلی، کسب درآمد و رهبری خانواده را بر عهده‌ی شوهر- پدر و وظایف خانه‌داری و کدبانوگری را بر عهده‌ی همسر- مادر قرار می‌دهد. به باور وی، تابعیت زنان نسبت به مردان در جوامع سرمایه‌داری از نظر کارکردی برای حفظ انسجام خانواده و نیز برای حفظ ساختار طبقاتی این جوامع ضرورت دارد. چنانچه زن ازدواج کرده نقش نان‌آوری را به عهده گیرد، خطر رقابت با شوهر پدید می‌آید و این برای وحدت و هماهنگی خانواده بسیار زیان‌آور

1 . <http://www.womenemployed.org/docs, 2012/04/08>.

2 . Resource Theory

3 . Collins

4 . Talcott Parsons

است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵). وی برای زن نقش رهبری عاطفی یا کاریزمایی، و برای مرد نقش رهبری اجرایی یا ابزاری قابل است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳).

نظریه‌ی مالکیت ثروت را باید در ادبیات مارکسیستی به ویژه تحلیل تاریخی فردریش انگلس^۱ در باب منشاء خانواده جستجو کرد انگلس معتقد بود که منبع ثروت در دست مردان است که این مورد باعث شده قدرت زنان کاهش یابد (تانگ^۲، ۱۹۹۷: ۴۷-۴۸). میشل بارت^۳ در تحلیلی مارکسیستی-فمینیستی از تقسیم کار جنسیتی در خانه، مرد را تأمین کننده امکانات اقتصادی و زن را تیماردار و تأمین کننده کار بی مزد خانگی می‌داند (ابوت و والاس^۴، ۱۹۹۳: ۲۹۱-۲۹۲). فمینیست‌های رادیکال در تبیین علی نابرابری جنسی به طور عام و تقسیم جنسیتی نقش‌ها به طور خاص بر عنصر پدرسالاری تکیه می‌کنند. آن اوکلی^۵ تقسیم کار جنسیتی در خانه به ویژه نماد اشکار آن یعنی مادری را اسطوره‌ای پدر سالارانه می‌داند که نهادهای فرهنگی جامعه در پیدایش و تقویت آن بیشترین سهم را دارند. از این منظر، علت تداوم این الگو بهره‌ای است که مردان از آن می‌برند، زیرا در این الگوی تقسیم کار، همه‌ی زنان اعم از همسران، مادران، خواهران و دختران در خدمت همه‌ی مردان و تأمین نیازهای آنان قرار می‌گیرند (بیلتون^۶ و همکاران، ۱۹۸۱: ۳۵۱). جولیت میچل^۷ برای تبیین تقسیم کار جنسیتی از نظریه‌های روانکاوانه، اقتصادی، زیستی اجتماعی و فرهنگی در کنار یکدیگر سود جسته است. به باور وی، گذشته از ضمیر نا آگاه که در تجدید و اعاده نقش‌های جنسیتی جایگاه ویژه‌ای دارد، برخی جنبه‌های حیات زنان در خانواده، اقتصادی‌اند، یعنی نتیجه تغییرات پدید آمده در شیوه‌ی تولید هستند؛ برخی دیگر خصلت زیستی-اجتماعی دارند، یعنی نتیجه‌ی تأثیر متقابل زیست‌شناسی زنانه و محیط اجتماعی‌اند؛ بعضی نیز دارای ماهیت ایدئولوژیک‌اند، یعنی نتیجه است (تانگ^۸، ۱۹۹۷: ۱۷۵). بایلبی^۹ و گاتک^{۱۰} نیز بر این باورند که وقتی مردان و زنان ساعت یکسانی را در شغلشان صرف می‌کنند، زنان بیشتر از مردان دچار تعارض نقش می‌شوند (رستگار خالد، ۱۳۸۵). به گفته‌ی گرین هاوس و بیوتل^{۱۱} (۱۹۸۵)، تعارض کار- خانواده دارای سه نوع است: تعارض مبتنی بر زمان^{۱۲}، تعارض مبتنی بر فشار^{۱۳}، تعارض مبتنی بر رفتار^{۱۴}. تعارض مبتنی بر زمان که بر دو نوع است: ۱. فشارهای زمانی پیوسته با یک نقش، ممکن است پیروی از انتظارات ناشی از نقش دیگر را به لحاظ فیزیکی ناممکن سازد. ۲. ممکن است وقتی شخص می‌خواهد به گونه‌ی فیزیکی، خواست‌های یک نقش را برآورده کند، درگیر اشتغال ذهنی با نقش دیگر شود. تعارض مبتنی بر فشار، فشار تولید شده‌ی نقش، در نتیجه‌ی محرک-های تنش‌زای شغلی و خانوادگی است. این محرک‌ها، در گستره‌ی هریک از نقش‌های شغلی و خانوادگی، فشارهای فیزیکی و روانی مانند تنش، اضطراب، خستگی، افسردگی، بی‌حوصلگی، و تندخویی را پدید می‌آورد و ایفای انتظارات ناشی از نقش دیگر را دشوار می‌سازد؛ ناسازگاری نقش‌ها بیش‌تر به دلیل فشار نقشی است که پیروی از خواست‌های نقش دیگر را چنان دشوار می‌سازد که فرد را به سوی افسردگی درکار و احتمالاً کاهش برقراری پیوندهای شخصی در خانه روانه می‌کند. تعارض مبتنی بر رفتار، در این نوع تعارض، الگوهای ویژه از رفتار در نقشی معین با انتظارات مربوط به رفتار در نقش دیگر ناسازگار می‌شود؛ بدین ترتیب، ممکن است در نقش شغلی، رفتارهایی از فرد خواسته شود که با انتظارات رفتاری در حوزه‌ی نقش‌های خانوادگی تعارض داشته باشد (افشانی و هاتفی‌راد، ۱۳۹۶: ۳). در نظریه‌ی تعارض نقش «نقش اجتماعی^{۱۵} عبارت است از مجموعه‌ای از انتظاراتی که جامعه از افراد دارد؛ افرادی که موقعیت یا پایگاه اجتماعی خاصی را اشغال کرده‌اند...» اگر نقش‌های اجتماعی «باعث محدود شدن کنش-های متقابل و روابط اجتماعی افراد شوند، می‌توانند ضدکارکردی^{۱۶} شوند». رویکردهایی مانند تکرر نقش^{۱۷}، تضاد نقش^{۱۸}، فشار بار اضافی نقش^{۱۹} حکایت از آن دارد که انتظارات و فشارهای ناشی از نقش توأمان باعث می‌شود زنان شاغل از نظر سلامت نسبت به زنانی که فقط به نقش‌های سنتی می‌پردازند، در وضعیتی نامطلوب‌تر قرار گیرند. در مقابل، مدل‌های دیگری مانند فرضیه اعتلای نقش^{۲۰} و نظریه بسط نقش^{۲۱}، بر این نکته تأکید دارند که اشتغال به عنوان نقشی جدید که به نقش‌های سنتی زنان اضافه شده، موجب عزت‌نفس بیشتر، استقلال مالی بیشتر و کسب حمایت اجتماعی گسترده‌تر می‌شود (رفعت‌جاه و ربیعی، ۱۳۹۵: ۱۵۳). هافمن

1. Friedrich Engels
2. Bart
3. Michelle Barrett
4. Abbot & Wallas
5. nn Oakley
6. Bilton
7. Julie Michell
8. Tong
9. Bilby
10. Gutek
11. Greenhouse & biotel
12. Time-Based Conflict
13. Behavior-Based Conflict
14. Strain-Based Conflict
15. Social role
16. dysfunctional
17. Multiple roles
18. Role Conflict
19. Role Overload
20. Role Enhancement
21. Role Expansion

معتقد است: «زن شاغل به علت رابطه اجتماعی که در جریان کار خود پیدا می‌کند روشن بین تر از زن غیر شاغل می‌شود و با زندگی بهتر کنار می‌آید و همچنین در سال‌های میانه ازدواج که فرزند بزرگ شده و یا خانواده را ترک می‌گوید اشتغال در تعادل روحی زن اثر می‌گذارد (زنجان و بیات، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

۳- پیشینه پژوهش

- کمری در سال (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان «اشتغال زنان و تأثیر آن بر خانواده» انجام دادند. روش پژوهش توصیفی - مروری بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مطالعات پیشین استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که مشارکت زنان در امر اشتغال از قدمتی تاریخی برخوردار است. تلاش زنان در رسیدن به مشاغل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دهه‌های اخیر، در پی تقاضای یابندگان کار و همچنین نیاز بازار کار، رشدی قابل توجه و چشم‌گیر داشته است. وقتی یک زن بر اساس تمایل شخصی یا اجبار اقتصادی به کار خارج از منزل می‌پردازد، شغل او بخشی از زندگی را تشکیل می‌دهد چنانچه شرایط خانوادگی، اجتماعی و شغلی برای ایجاد تعادل میان کار و زندگی مناسب باشد، احساس آرامش نموده و عملکرد خانواده بهبود می‌یابد. اما وقتی شغل او با شرایط و امکانات موجود در تعارض باشد، وی احساس فشار روانی و استرس ایجاد می‌کند و این فشار به کارایی خانواده آسیب وارد می‌کند. به صورت کلی اشتغال زنان اثرات مفید و مثری برای خانواده به همراه خواهد داشت، لذا جامعه جنسیت زن را باید به عنوان جنس دوم در نظر نداشته باشد و فرهنگ پذیرش اشتغال زن را پیروانند و با راهکارهایی از جمله شناور ساختن ساعت‌های کاری، دورکاری، تقلیل ساعات کاری، آموزش و استفاده از مشاوره، همکاری و مشارکت اعضای خانواده، به کارگیری زنان در مشاغل متناسب با توانایی‌هایشان می‌توان از اثرات منفی اشتغال زنان کاست و از اثرات مثبت وجود زن در حیطه اشتغال و در اجتماع بهره‌مند شد.

- حاتمی کیا در سال (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر اشتغال جمعیت زنان بر کارکردهای خانواده» انجام دادند. روش پژوهش بر اساس رویکرد کمی تحقیق و با استفاده از روش پیمایش و از شاخه‌های میدانی و جامعه‌آمار کلیه زنان متأهل سال ۱۳۹۸ می‌باشد. تعداد نمونه ۲۰۰ نفر محاسبه گردید. این افراد به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ۲۰ سؤال و پرسشنامه اهداف مربوط به زندگی شغلی و خانوادگی ۲۰ سؤال که هر دو دو قالب طیف لیکرت طراحی شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از نرم افزار SPSS24 و آمارهای توصیفی و استنباطی مانند ضریب همبستگی پیرسون و رگسیون خطی استفاده شده است. نتایج نشان داد که عوامل نحوه تربیت فرزندان، رضایت از زندگی، مسئولیت‌پذیری، رفاه و آسایش همه به صورت معناداری بر کارکردهای خانواده تأثیرگذار می‌باشد.

- احمدی در سال (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر اشتغال مادران بر عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان» چنین نتیجه گرفتند که دانش‌آموزانی که مادر شاغل دارند نسبت به دانش‌آموزانی که مادر غیر شاغل دارند سازگاری اجتماعی بیشتری دارند. همچنین بین رضایت شغلی مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان همبستگی وجود دارد و متقابلاً بین تنش شغلی مادران و پیشرفت تحصیلی فرزندان نشان رابطه منفی وجود دارد.

- رورمن^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی که درباره دانش‌آموزان لوس آنجلس انجام داد چنین نتیجه گرفت که تنها یک چهارم مادران شاغل به مسائل و نیازهای روانی کودکان‌شان رسیدگی می‌کنند.

- مکنی و پوند^۲ (۲۰۲۰) در طی مطالعات خود چنین اثبات کردند که نهاد خانواده در جامعه‌ای مثل انگلستان نیاز به دو نان آور دارد تا بتواند از عهده‌ی تأمین سطح زندگی در حد عادی آن برآیند. به طور کلی تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دیگر جوامع باعث شد تا زنان نقش دوگانه خود را حفظ کنند.

- وندکاس اولدز^۳ (۲۰۱۹) در طی پژوهش‌های خود اثبات نمود که بسیاری از زنان شاغل در کشورهای اروپایی اظهار کرده‌اند که حتی بدون نیاز به پول به کار کردن ادامه می‌دهند.

۴- فرصیه‌های تحقیق

- بین اشتغال زنان و روابط و ساختار خانواده رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و نقش همسر داری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و نقش مادری رابطه معناداری وجود دارد.

1. Rorman
2. Makni and Pound
3. Windkas Olds

- بین اشتغال زنان و روابط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و فشار کاری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و خانه‌داری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری درون خانواده رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و نیازهای مالی خانواده رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و سن زوجین رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اشتغال زنان و تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش پژوهش

این پژوهش بر اساس رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی، انجام شده است. نمونه‌ی آماری تحقیق کارکنان زن متأهل در بیمارستان جوادالائمه بوده که تعداد آنها ۱۵۰ نفر می‌باشد، تعیین شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است، که ابعاد ساختار خانواده (پایگاه اجتماعی-اقتصادی، روابط اجتماعی، فشارکاری، میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری درون خانواده، نقش همسررداری، نقش مادری، خانه‌داری، نیازهای مالی خانواده) را می‌سنجد. برای به دست آوردن پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، آلفای به دست آمده برای تمامی شاخص‌ها، بالای ۰/۷۰ می‌باشد، که قابل قبول است.

۶- یافته‌های پژوهش

۱-۶- نتایج توصیفی

نتایج توصیفی در این تحقیق حاکی از آن است که، ۲۳،۴ درصد از پاسخ‌دهندگان بین ۲۵-۳۰، ۱۶،۶ درصد بین ۳۰-۳۵، ۲۶،۶ درصد بین ۳۵-۴۰، ۲۰ درصد بین ۴۰-۴۵، ۱۴،۴ درصد بین ۴۵-۵۰ سال و همسران آن‌ها ۲۳،۳ درصد بین ۳۰-۳۵، ۱۶،۶ درصد بین ۳۵-۴۰، ۳۶،۶ درصد بین ۴۰-۴۵، ۲۳،۵ درصد بین ۴۵-۵۰ سال سن دارند. که ۵۳،۳ درصد آنها بین ۱-۱۰، ۲۹،۹ درصد بین ۱۰-۱۶،۸ درصد بین ۲۰-۳۰ سال ازدواج کرده‌اند. از نظر تحصیلات ۳۰ درصد از آنها فوق دیپلم، ۵۳،۳ درصد لیسانس و ۱۶،۷ درصد فوق لیسانس و بالاتر و همسرانشان ۱۰ درصد دیپلم، ۳۳،۳ درصد فوق دیپلم، ۵۳،۳ درصد لیسانس و ۱۳،۳ درصد از آن‌ها فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. از نظر درآمد، ۳،۳ درصد بین ۳-۴ میلیون، ۳۳،۳ درصد بین ۵ تا ۴ میلیون، و ۶۳،۳ درصد بالاتر از ۵ میلیون و همسرانشان، ۱۳،۳ درصد بین ۵ تا ۴ میلیون و ۸۶،۷ درصد بالاتر از ۵ میلیون درآمد داشته‌اند. از نظر نوع شغلی، ۳،۳ درصد بهیار، ۲۰ درصد کارمند اداری، ۴۰ درصد پرستار، ۳۰ درصد خدماتی، ۶،۷ درصد پزشک و همسرانشان، ۵۶،۷ درصد شغل آزاد، ۴۳،۳ درصد کارمند بوده‌اند.

۲-۶- نتایج استنباطی

جدول ۱: آزمون اسپیرمن جهت نشان دادن رابطه میزان تحصیلات با اشتغال زنان

ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری	سطح اطمینان
Spearman's Bro	P	α
0.71	$Pp < 0/005$	0.05

خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر با سطح معناداری ۰،۰۰۵ برابر با ۰،۷۱ می‌باشد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه‌ی قوی و از نوع مستقیم وجود دارد، در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد.

خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر اشتغال زنان و ساختار برابر با ۰،۴۴۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه متوسط و از نوع مستقیم وجود دارد، در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر اشتغال زنان و پایگاه اجتماعی-اقتصادی برابر با ۰،۱۴۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه پایین و از نوع مستقیم وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر اشتغال زنان و نقش همسررداری برابر با ۰،۴۸۲- می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه‌ی متوسط و از نوع معکوس وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی به دست آمده نیز برای دو متغیر اشتغال زنان و نقش مادری برابر با ۰،۱۷۷- می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه پایین و از نوع

معکوس وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر اشتغال زنان و خانه داری برابر با ۰,۱۹۴- می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه پایین و از نوع معکوس وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر اشتغال زنان و روابط کاری برابر با ۰,۳۵۸+ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه متوسط و از نوع مستقیم وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر اشتغال زنان و نیازهای مالی خانواده برابر با ۰,۳۱۱- می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه پایین و از نوع معکوس وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر اشتغال زنان و فشار کاری برابر با ۰,۵۷۲+ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر اشتغال زنان و قدرت تصمیم گیری برابر با ۰,۲۶۱+ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه پایین و از نوع مستقیم وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون نقش اشتغال زنان بر متغیرهای ساختار خانواده

اشتغال زنان		متغیر مستقل ابعاد متغیر وابسته
تعداد نمونه	معناداری	
۱۵۰	۰/۰۱۲	۰,۴۴۳
۱۵۰	۰/۰۴۰	۰,۱۴۳
۱۵۰	۰/۰۰۴	-۰,۴۸۲
۱۵۰	۰/۰۱۵	-۰,۱۷۷
۱۵۰	۰/۰۰۹	-۰,۱۹۴
۱۵۰	۰/۰۳۰	۰,۳۵۸
۱۵۰	۰/۰۰۰	۰,۵۷۲
۱۵۰	۰/۰۴۵	-۰,۳۱۱
۱۵۰	۰/۰۰۱	۰,۲۶۱

الف- تحلیل رگرسیون چند گانه ساختار خانواده

جدول شماره ۱۲: تحلیل رگرسیون چند گانه برای تبیین متغیر وابسته (ساختار خانواده)

همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف استاندارد
۰/۴۲۵	۰/۲۶۴	۰/۲۶۵	۶/۵۸۸

داده های جدول نشان می‌دهد که ضریب همبستگی معادل ۰/۴۲۵ محاسبه شده است، که بیان گر این مطلب است که اشتغال زنان به طور همزمان تقریباً ۰/۴۲ با ساختار خانواده همبستگی دارند. در این بررسی ضریب تعیین تعدیل شده معادل ۰/۲۶۵ محاسبه شده است، یعنی حدود ۲۷ درصد ساختار خانواده توسط متغیر مستقل مورد بررسی توضیح داده می‌شود، و ۷۳ درصد باقیمانده ناشی از عواملی خارج از مشاهدات مورد بررسی ما می‌باشند.

ب- تحلیل رگرسیون ساده روابط و ساختار اجتماعی

جدول شماره ۱۳: ضرایب تاثیر مدل تبیین کننده روابط و ساختار اجتماعی

متغیر	B	Beta	T	Sig.
ثابت	۴/۶۸۹	-	۱/۵۶۵	۰/۱۱۹
اشتغال زنان	۰/۱۷۹	۰/۳۹۱	۸/۳۰۱	۰/۰۰۰

ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول بالا شدت اثرگذاری متغیر اشتغال زنان بر روابط و ساختار اجتماعی را به میزان ۰/۳۹۱ را نشان می‌دهد.

۷- نتیجه گیری و پیشنهادها

زنان همواره بار عظیمی از مسائل و مشکلات خانواده اعم از کار منزل، بارداری و زایمان، تربیت فرزندان، مدیریت خانواده و با توجه به شرایط زمانی و تاریخی و مکانی وظایف و مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی را بر عهده داشته اند. اشتغال زنان، طرفداران موافق و مخالف زیادی دارند، طرفداران مخالف با کار زنان، نابودی خانواده، عدم توانایی زن در جهت مراقبت از خود و سوء استفاده نمودن افراد، خدشه دار شدن روابط خانواده به دلیل دسترسی به پول، از بین رفتن وحدت رهبری و خطر رقابت با شوهر را نتیجه کار زنان دانسته و با آن مخالفت می‌کند. اما موافقان، استقلال مالی و به تبع آن استقلال روانی، پیدا کردن عزت نفس، رسیدن به مشارکت در زندگی مشترک، از بین بردن ستم بر زن، استفاده از نیروی زنان در توسعه و ایفای نقش خود به عنوان یک نیرو در تصمیم گیری اجتماعی و عملکردهای اقتصادی، رسیدن به خودباوری، مسئولیت پذیری، رسیدن به آزادی و ... را دلایل موافقت اشتغال زنان دانسته اند. با توجه به دیدگاه‌های موجود این پژوهش به بررسی تاثیر اشتغال بر روابط و ساختار خانواده پرداخته است. جامعه آماری تحقیق را کلیه کارکنان زن متأهل و شاغل در بیمارستان جوادالائمه مشهد تشکیل می‌دهند. که تعداد این افراد ۱۵۰ نفر می‌باشند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، روابط اجتماعی، فشارکاری، قدرت در تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، و بین متغیرهای نقش همسررداری، نقش مادری، خانه‌داری، نیازهای مالی خانواده، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همین طور بین متغیر سن و اشتغال زنان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، یعنی با افزایش سن زنان، میزان اشتغال آنان نیز کاهش می‌یابد. و بین متغیر تحصیلات با اشتغال زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بدین صورت که با افزایش تحصیلات زنان تمایل آن‌ها به اشتغال نیز افزایش می‌یابد. همچنین در مدل تحلیل مسیر نشان داده شده است که بیشترین تأثیر را متغیرهای فشارکاری و قدرت در تصمیم‌گیری در خانواده دارند. به همین دلیل می‌توان گفت که از نظر کارکنان اشتغال شان بیشتر فشارکاری و قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. همچنین ضریب همبستگی بین اشتغال زنان بر روابط و ساختار خانواده، برای دو متغیر برابر ۰.۴۴۳ می‌باشد. در اکثر خانواده‌های ایرانی، برای گذران زندگی زن و شوهر مجبورند پا به پای هم در بیرون از خانه کار کنند. به جنبه‌های مثبت و منفی اشتغال زنان و تأثیری که بر ساختار و روابط خانواده دارد، بپردازد و پیشنهاداتی نیز ارائه دهد. که عبارت است از: الف) بازنگری در الگوها و شاخص‌های توسعه؛ ب) اصلاح نگرش‌ها به خانواده؛ پ) اصلاح الگوهای سبک زندگی؛ ت) اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی و فرهنگی؛ ث) مدیریت منابع انسانی؛ ج) اصلاح نظام تأمین اجتماعی؛ چ) اصلاح نظام پولی؛ ح) اولویت اشتغال سرپرست خانوار؛ خ) ایجاد امنیت در محیط‌های کار؛ د) توسعه مشاغل خانگی و انعطاف‌پذیر؛ ر) نظارت ویژه بر بازار کار زنان؛ این نظارت در دو بخش اعمال می‌شود. ۱) نظارت بر انجام تعهدات قانونی توسط کارفرما، تا افزون بر استیفای حقوق زنان شاغل؛ ز) اصلاح مقررات ناظر به ساعت کار زنان در شب؛ س) مهارت‌افزایی به اعضای خانواده؛ ش) مهارت‌افزایی زنان شاغل.

منابع

- اسحاقی، محمد، (۱۳۹۱). سنجش عوامل اجتماعی موثر درخواست طلاق زنان در شهر تهران. *فصلنامه‌ی زن در توسعه و سیاست*. دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳.
- اعظم زاده، منصوره، (۱۳۹۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری جنسیتی و رفتار دوره‌های اجتماعی، *فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، شماره‌ی ۱، دوره ۱۴.
- افشانی، سیدعلی رضا؛ هاتفی راد، لیدا، (۱۳۹۶). بررسی عوامل مرتبط با تعارض نقش شغلی، خانوادگی زنان با تأکید بر متغیرهای شغلی و سازمانی. *فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هشتم، شماره‌ی پیاپی (۶۸)، شماره‌ی ۴.
- امینی، محمد؛ حسینیان، سیمین؛ یوسف، امینی، (۱۳۹۲). بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تأثیر آن بر میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده. *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی زن و جامعه*، سال چهارم، شماره‌ی ۱.
- بنی فاطمه، حسین؛ مهید، نازیلا مهید، (۱۳۸۹). جایگاه اشتغال زنان از منظر دانشجویان، *فصلنامه‌ی تخصصی علوم اجتماعی واحد شوشتر*، سال چهارم، شماره‌ی هشتم.
- پورقاسم، شهلا، (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اشتغال زنان تحصیل کرده، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جوکار، محبوبه؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی، (۱۳۹۲). مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران. *فصلنامه‌ی پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*. سال دوم.
- خاک‌پور، ایمان؛ نظری، علی محمد؛ زهرارکار، کیانوش، (۱۳۹۴). نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی، *فصلنامه‌ی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۰.

۹. رستگار خالد، امیر. ۱۳۸۵. اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی دانشور رفتار، شماره‌ی ۱۹.
۱۰. رفعت جاه، مریم؛ خیرخواه، فاطمه، (۱۳۹۲). مسائل و چالش های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی. فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، سال اول، شماره‌ی دوم.
۱۱. رفعت جاه، مریم؛ ربیعی، مریم، (۱۳۹۵). مطالعه‌ی تجربه ایفای همزمان نقش شغلی، خانوادگی در زنان سرپرست خانوار با تأکید بر زنان دستفروش مترو، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، شماره‌ی ۶۲.
۱۲. زارعی توپخانه، محمد؛ جان بزرگی، مسعود؛ احمدی محمدآبادی محمدرضا، (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن، فصلنامه‌ی روانشناسی و دین، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲.
۱۳. زارعی توپخانه، محمد، (۱۳۹۶). رابطه‌ی ساختار قدرت خانواده اصلی با ساختار قدرت خانواده فعلی و عملکرد آن، فصلنامه‌ی روانشناسی و دین. شماره‌ی دهم.
۱۴. زنجانی، حبیب‌الله؛ بیات، معصومه، (۱۳۸۹). بررسی اشتغال بر کیفیت زنان شهر مشهد، فصلنامه‌ی توسعه اجتماعی، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۲.
۱۵. قندهاری، پردیس، (۱۳۸۲). زن و قدرت. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۶. کاستلز، امانوئل، (۱۳۸۰). عصر اطلاعات جامعه شبکه‌ای، ترجمه‌ی احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۷. کوئن، بروس. ۱۳۸۶. درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
۱۸. کیانی، مژده: ربانی خوراسگانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت، (۱۳۸۹). مطالعه‌ی چگونگی توزیع قدرت در خانواده؛ مدلی بر اساس نظریه مبنایی (مطالعه نمونه‌های شهر اصفهان)، فصلنامه‌ی خانواده پژوهی، شماره‌ی ۲۲.
۱۹. گروسی، سعیده. ۱۳۸۶. بررسی ساختار قدرت در خانواده های شهر کرمان، فصلنامه‌ی مطالعات زنان، سال ۶، شماره‌ی ۲.
۲۰. مطهره حکمت نیا؛ بهادری جهرمی، ثمینه، (۱۳۹۵). بررسی نظریه تفکیک نقش ها در خانواده، فصلنامه‌ی مطالعات علوم اجتماعی، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴.
۲۱. ناصری، سهیلا؛ ساروخانی، باقر؛ وحید، فریدون، بهیان، پاپور، (۱۳۹۵). بررسی جامعه شناختی گونه شناسی خانواده و فرزندمداری در شهر تهران، فصلنامه‌ی توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴.
۲۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۸۳)، هویت یابی مستقل. مجله‌ی فرهنگی و پژوهش، شماره‌ی ۱۷۱.
23. Abboutt, P.; and Wallace, C. (1993). Sociology (Feminist Perspective).Routledge, London.
24. Bilton, Tony & et al,(1981).Introductory Sociology ,London and Basingstoke: Macmillan press. LTD.
25. Tong, Rosemarie, (1997), Feminist Thought, Routledge, London.

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کارپردی در
علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی: ۱۵)، تابستان ۱۴۰۰ (تیر)